



فعالیت‌های باستان‌شناسی در ساحه‌ی مسجد تاریخی گدري در شهر قدیم کابل

پوهنيار مژگان همراز و دكتور عبدالواسع نجمي

تقریظ دهنده: پوهاند عصمت‌الله عثمانی

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۳ (۳) ۱۳۹۹

چکیده

آبدات تاریخی هویت فرهنگی جوامع را تشکیل می‌دهند. ساحه‌ی تاریخی مسجد گدري، واقع در شهر قدیم کابل که در زمان شاه جهان یا قبل از آن ساخته و بعداً توسط اورنگ‌زیب پادشاه مغلی در قرن ۱۶ میلادی بازسازی شده بود، در ادوار مختلفی تاریخ مورد ترمیم و تجدید قرار گرفته است. از این‌که اثر جنگ‌های اخیر کابل این عمارت صدمه‌ی ساختمانی دیده و ویران گردیده بود. بنیاد فرهنگی آغاخان طی یک پروگرام تدریسی در سال ۲۰۱۵م کار مرمت آنرا آغاز نمود. این ساحه که مکان خوب آموزش عملی برای محصلان رشته‌های مهندسی تاریخی و باستان‌شناسی بوده است تا الحال ادامه دارد که نه تنها به ۲ حیث یک مسجد تاریخی حایز اهمیت می‌باشد بل، به حیث مرکز آموزشی از ارزش والای برخوردار می‌باشد. این مقاله دنبال آنست تا این مسجد را با جزئیات حفريات باستان‌شناسی به معرفی گرفته و نقش آن را در پروسه‌ی تدریسی این دو دیپارتمنت بیشتر روشن سازد.

اصطلاحات کلیدی: باستان‌شناسی؛ مهندسی؛ آبدات تاریخی؛ مرمت؛ حفاظت

Archaeological Excavations At Gudri Historical Mosque In Old City, Kabul

Jr. Teaching Asstt. Muzghan Hamraz & Dr. AbdulWasy Najimi

Abstract

Historical Monuments acts as symbols of cultural identity in the societies. Gudri historical mosque is located in old city of Kabul. Archaeological evidence shows that the king of Moghul (Shah Jahan) builds the mosque by the first time then conserved by King of Awrang Zaib in 16 century. The mosque is ruined during civil war and have been conserved several times. Aga Khan Cultural foundation (AKTC) has been started restoration of the Mosque as an educational programs from 2015 till now. That is the best model of education's place for students of Architecture, Archaeology and History departments. Gudri is not a mosque only, but it is the best training Center for the students to learn new experiences. The article is seeking to explain the archaeological excavation process and evidence of the mosque in order to highlight its rule on educational process in these two departments.

Keywords: Archaeology; Architecture; Historical monuments; Restoration; Conservation

ارجاع

همراز، مژگان. (۱۳۹۹). فعالیت‌های باستان‌شناسی در ساحه‌ی مسجد تاریخی گدري در شهر قدیم کابل. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۳)، صص ۲۷۷ - ۳۰۴.

مقدمه

افغانستان کشوری است که تاریخ و فرهنگ به هر شهر و دره‌ی آن پیوند ناگسستنی دارد. با روشن شدن هر زاویه اماکن زندگی قدیم درین کشور می‌توان به ارزش و اهمیت والای از تاریخ آن پی برد. ساحات باستانی و آبدات تاریخی گنج‌های خوابیده‌ی این دیار اند که با کشف و مطالعه‌ی آن می‌توان منابع سرشار علمی را برای علاقمندان و علم‌جویان تشنه‌ی این مرز و بوم تقدیم نمود. اما متأسفانه تشنجات سیاسی، کوتاه‌فکری مردم، جنگ‌های داخلی و عدم توجه مسئولین با بازمانده‌های باستانی و تاریخی باعث گردیده است تا یک بخشی از فرهنگ غنی این خطه هنوز ثبت نگردیده و یا هم به باد فراموشی سپرده شود. عده‌ی دیگر به شکل آگاهانه و یا ناآگاهانه تخریب گردیده اند که خود صدمه‌ایست بر پیکر میراث فرهنگی گهربار این ملت.

حفظ میراث فرهنگی به شمول اماکن تاریخی در جهان امروزی، حتی کشورهای مدرنیزه شده، عطف توجه خاص اشخاص و ادارات قرارداد. داشته‌های امروزی مدیون زحمات هنری گذشته‌گان دانسته شده و آن را جز لاینفک زنده‌گی امروزی قلمداد نموده اند. کشورها برای حفظ عمارات، قریه‌ها و قسمت‌های قدیمی شهری را با مصارف هنگفت حفاظت از میراث فرهنگی، بودجه و اجرا می‌نمایند تا هم اصالت تاریخی کشور نگهداشته شده و هم ازین راستا منابع اقتصادی تأمین گردد. حفاظت از میراث‌های فرهنگی در سطح جهان امروز به یک موضوع مهم مبدل شده است. طوری که سالانه کمیته‌های ملی و بین‌المللی کنفرانس‌های متعددی را در رابطه بر حفاظت از میراث‌های فرهنگی دایر می‌نمایند و حکومت‌ها جهت تشویق مردم و آگاهی عامه اقدامات مؤثرتر را روی دست می‌گیرند. خوش‌بختانه مؤسسات ملی و بین‌المللی در این اواخر در افغانستان بیشتر متوجه اهمیت این مسأله شده و فعالیت‌های مؤثر را برای حفاظت از داشته‌های فرهنگی انجام داده و می‌دهند.

بنیاد فرهنگی آغا خان (دفتر افغانستان)، را می‌توان یکی از ادارات عمده‌ی حمایت از حفظ میراث‌های فرهنگی افغانستان بر شمرد. کارکنان آن اداره اعم از متخصصان افغانی و خارجی خدمات شایان را در قسمت مرمت از آبدات تاریخی افغانستان در کابل، هرات، بلخ و بدخشان انجام داده اند. در کابل می‌توان از احیای محله‌ی تاریخی عاشقان و عارفان در شهر قدیم کابل، مرمت مقبره و باغ تیمورشاه درانی، احیا و بازسازی باغ بابر، مرمت قصر و احیا باغ چهلستون، احیا و مرمت عمارت مدرسه‌ی تاریخی نورالاسلام (کتاب‌فروشی پخته‌فروشی) نام برد. در هرات احیا و مرمت عمارات حوض‌های سرپوشیده چارسوق، حوض و مسجد ملک و مرمت قلعه‌ی اختیارالدین (ارگ هرات) و مرمت عده‌ی از خانه‌های تاریخی در شهر قدیم هرات را ذکر نمود. در بلخ مرمت مسجد و زیارت

تاریخی خواجه پارسا، بقایای باستانی مسجد حاجی پیاده (نوگنبد) و مقبره‌ی خواجه آکاش را با بعضی از ساختمان‌های دیگر نام برد. در بدخشان مرمت عمارت مقبره‌ی نا صرخ سرو در ولسوالی یمگان و مقبره‌ی میر یاریک در فیض آباد از جمله کارهای حفظ میراث فرهنگی عمارتی توسط آن اداره می‌باشد.

مسجد گدري واقع در کوچه آهنگری و سراجی شهر قدیم کابل یکی دیگر از پروژه‌های در حال جریان این بنیاد است که با حمایت مالی سفارت امریکا در کابل هم‌چنان برای تریه کادر مهندسی در حفظ و مرمت عمارات تاریخی مورد مرمت قرار گرفته است. هدف آن استفاده مجدد عمارت و نگهداری ساحه‌ی آن برای سالیان متمادی به حیث یک آبنده‌ی تاریخی و ساحه‌ی باستانی برای نسل‌های بعدی می‌باشد. هدف از انتخاب مسجد متذکره جهت مقاله‌ی تحقیقی باستان‌شناسی ساختمانی این بوده است که بر علاوه از تاریخی بودن این آبنده با داشتن بقایای سبک‌های عمارتی ادوار مختلف از معماری مغلی تا معماری عصر حبیبیه در کشور معلومات جامع علمی و همه‌جانبه را برای علاقمندان رشته‌ی باستان‌شناسی ساختمانی مهیا می‌سازد.

چون کار مرمت مسجد متذکره در سال ۲۰۱۵ با حمایت مالی سفارت امریکا در کابل آغاز یافت و تا فعلاً ادامه دارد و گزارش تحقیقی از حفريات باستان‌شناسی در این ساحه هنوز توسط نهاد دیگری به نشر نرسیده است، بناءً، می‌توان این مقاله را جدیدترین معلومات مرتبط به این مسجد و حفريات باستان‌شناسی دانست که زوایای تاریک این مسجد در مقالات تحقیقی دیگر، ان‌شالله آشکار خواهد گردید.

جمع‌آوری معلومات برای این مقاله با روش کار ساحوی و تحقیقات میدانی می‌باشد که در پهلوی آن از روش مصاحبه و تحقیق کتاب‌خانه‌یی نیز استفاده به عمل آمده است. قید منابع به سیستم پوهنتون شمول پوهنتون کابل (APA) می‌باشد. امیدوارم در معرفی این مسجد تاریخی و جلب توجه محققان جهت انجام تحقیقات بیشتر روی زوایای تاریک این مسجد، کمکی نموده باشم.

نگاهی بر باستان‌شناسی ساختمانی (Building Archaeology)

باستان‌شناسی ساختمانی یکی از زمره‌ی علوم است که برای شناخت تاریخ، سبک و مراحل تعدیلات ساختمانی در یک عمارت تاریخی به کار گرفته می‌شود. علاقمندان رشته‌های مهندسی و باستان‌شناسی که در حفظ، احیا و استحکام یا مرمت چنان عمارات تاریخی مصروف می‌باشند، این علم مؤثر و مفید می‌باشد. باستان‌شناسی ساختمانی، طوری که از نام آن پیداست، علم مربوط به دو

رشته‌ی علمی (مهندسی و باستان‌شناسی) است که بایگ‌گیری اصول هر دو رشته در پروژه‌های حفاظت از اماکن تاریخی با غنای بیشتری منابع ساحوی برای فهم و تحولات طی دوره‌ی تاریخ ساختمان و تلاش برای استحکام بخشیدن به آن ساختمان در عمل حفاظت آن برای نسل‌های بعدی بکار می‌رود. به عبارت دیگر؛ باستان‌شناسی ساختمانی عبارت از احیای مجدد تاریخ یک آبدیه بر اساس مطالعه و حفاریات لازم غیر مخرب می‌باشد. طوری‌که باستان‌شناس با تحلیل تمام مواد دست‌داشته تحقیق (شناخت مواد ساختمانی، تکنیک‌های به‌کار رفته در ساختمان، اختلافات و تشابهات، عوامل تخریب، بررسی هر جز ساختمان و تطابق آن با دوره‌های مختلف تاریخی) کار خود را با نتایج تحقیق علمی به تشریح می‌گیرد.

باستان‌شناسی ساختمانی علمی است که در علوم امروزی حفظ میراث ساخته شده‌ی فرهنگی جای خاص دارد، با وجودی‌که برخاسته از روش حفاریات علمی باستان‌شناسی پیروی می‌کند، اما معیارهای خاص علمی برای حفاریات در آن وجود دارد. طوری‌که هدف از حفاریات کاملاً متمرکز روی داشته‌های تاریخی مهندسی بوده و تمام جوانب یک آبدیه را در ابعاد گوناگون تحت قوانین مهندسی بررسی می‌نماید. هم‌چنان، در مطابقت از دوره‌های تاریخی حیات مهندسی یک ساختمان را روشن می‌سازد. از این علم در هر دو بخش (علمی و مسلکی) می‌توان در تحلیل بدنه‌ی ساختمان، عناصر، سبک مهندسی، ابزارهای کشف شده و تمامی جوانب آبدیه استفاده نمود.

طوری‌که، قبلاً ذکر گردید هدف از کاربرد باستان‌شناسی در معماری بهبود امور حفاظت از میراث معمور فرهنگ‌های گذشته می‌باشد که برای حفظ یا استفاده برای حال و انتقال آن برای نسل‌های آینده صورت می‌گیرد. دانش‌مندان اصول حفاریات کاربردی در باستان‌شناسی ساختمانی و باستان‌شناسی را به دو بخش تقسیم نموده‌اند.

۱. باستان‌شناسی تخریبی (Destructive Archaeology): باستان‌شناسی تخریبی عبارت از مطالعات از طریق انجام حفاریات جهت روشن شدن زوایای پنهان تاریخ بشریت که مدت‌ها زیر زمین یا طبقات خاک مدفون مانده‌اند، می‌باشد که مفاهیم و معلومات از طریق مطالعه روی ابزار کشف شده از کاوش‌ها و تحلیل ساحه‌ی به‌دست می‌آید. یعنی با حفاریات مسلکی باستان‌شناسی آثار و اشیای که از ادوار قبل در زیر زمین باقیمانده، کشف شده و به معرض دید و قرار گرفتن تحلیل آن، اسباب معلومات مهم تاریخی را بر ملا می‌سازد. طی این‌گونه کاوش‌ها امکان تخریب طبقات مختلفه و لایه‌های زمین زیر کار موجود می‌باشد.

۲. باستان‌شناسی غیر تخریبی (Non-destructive or micro-destructive): چنین است که بدون تخریب کدام ساحه و یا ساختمان، مطالعات برای دانستن مراحل و اجزای ساختمانی که در آن تغییرات صورت گرفته است، را هویدا سازد. یک ساختمان باستانی یا یک آبدیه تاریخی موجود حتماً در دوره‌های متعدد ترمیم و تغیر یافته است و حال که لازم است برای استحکام مجدد یا بازسازی مطالعه شود، باید آن تغیرات زمانی و عناصر تغیریافته را دانست تا در امور مرمت و بازسازی به آن توجه شود، یا نگه‌داشته شود و یا عناصر مهم از دست رفته یک دوره‌ی مهم تاریخ آن ساختمان اعاده گردد. هویدا است که برای چنین مطالعات باید در بعضی حصص حفریات علمی یا هم‌کندن‌کاری سطوح صورت یگیرد که به این شکل شاید توانست قسمت‌های صدمه‌رسیده یا شکسته‌ی عمرانی را هویدا ساخت و چنین معلومات را برای تدابیر ساختمانی و مرمت مد نظر گرفت. گاهی هم واقع می‌شود که عمارت موجود روی بقایای کدام ساختمان ابتدائی قبلی اعمار شده است که از نگاه علم تاریخ باید دانسته شده و ثبت گردد، در آن صورت می‌توان قسمت‌های را به شکل امتحانی کاوش نمود تا طبقات مدنیت قبل را پیدا کرد و دانست که تاریخ اعمار درین ساحه به کدام حد قبل بوده است. هدف از آن جمع‌آوری منابع تاریخی در ساحه، آبدیه و پیدا نمودن شیوه‌های ست که چطور بتوان، عمارت موجود و هم‌چنان تاریخ قبل از آن را مستند ساخته و تصمیم گرفت که آثار کدام دوره‌ی تاریخی قوی‌تر و مهم‌تر ظاهر می‌گردد و به کدام دوره‌ی مدنیت ساختمان ساحه و آبدیه را حفظ و استحکام نمود و آن را برای سالیان متمادی حفظ نمود.

در باستان‌شناسی ساختمانی در آبدات و عمارات تاریخی، هم‌چنان، حفریات را می‌توان یکی از راه‌های حل به دست آوردن معلومات از عمیق‌ترین طبقه تحت ساختمان را در رابطه به شناخت قدمت تاریخی یک آبدیه انجام داد. اما در چنین حفریات باستان‌شناسی که هدف آن کشف عناصر و اشیای مدفون است، شاید حالت تخریبی داشته و با انجام آن ما حصص از سطوح یا عناصر ساختمانی را کاوش و سبب تخریب گردد.

در یک آبدیه تاریخی به جاه مانده ممکن معلومات بیشتر تا اندازه‌ی آشکار باشد، یعنی حالت فعلی، مواد ساختمانی به کار رفته، سبک مهندسی، بافت و عناصر ساختمان و غیره که در قسمت‌های باقی مانده ساختمان دیده می‌شوند. برای فهم بیشتر و تصور کلی ساختمان تاریخی نیمه‌باقی و انکشاف برنامه‌ی حفظ، بازسازی و یا هم‌احیای آن تحقیقات مسلکی و علمی زیر کار گرفته می‌شود. با مشاهده‌ی اولی آن بقایای ساختمانی، اولین سوالی که در ذهن محقق خطور می‌کند، این است که (چه وقت؟) آبدیه مذکور ساخته شده بود و یا اگر چندین لایه ساختمان و طبقات عمرانی

به مشاهده می‌رسد، باید دانست که کدام یک قدیمی‌ترین است؟ و یا استرکچر از حالت اولی ساختمان چطور تغییر یافته است؟ با وجودی که شاید هدف اصلی در مطالعه و حفاظت یک آبنده این نباشد، اما کلید تحقیقات و تحلیل داده‌های علمی خواهد بود (نجیمی، ۲۰۱۵)

به‌طور فشرده از مطالعه‌ی باستان‌شناسی ساختمانی می‌توان معلومات علمی ذیل را به‌دست آورد:

- معلومات در رابطه به چگونگی ساخت ساختمان‌های تاریخیو طبقات تهبابی آن؛
 - مراحل تعدیلات در ساختمان یا ترمیمات در دوره‌های تاریخی آن؛
 - نوع و مشخصات مواد ساختمانی که استفاده شده با مقایسه‌ی چنین ساختمان‌های هم دور(زمان)؛
 - پیدا نمودن پاسخ‌ها برای (چراها) با مطالعه‌ی دقیق ساختمان و فضای داخل و اطراف آبنده.
- بحث دیگری که در حوزه مطالعات باستان‌شناسی از اهمیت خاص برخوردار است، تعیین تاریخ یک اثر یا آبنده‌ی تاریخی با در نظر داشت ارقام و اشیای به‌دست آمده از حفریات در ساحه و اطراف آن می‌باشد. تعیین تاریخ نسبی یکی از روش‌های مؤثر برای دریافت قدمت اثر می‌باشد که درمقایسه به موجودیت چندین اثر مشابه و یا ساختمان‌های مشابه در چندین منطقه مختلف می‌توان از روی تشابهات و اختلافات آن تعیین تاریخ گردد.

طی باستان‌شناسی ساختمانی در یک آبنده، مطالعات ذیل نیز می‌توان انجام شود:

استراتی گرافی (یا مطالعه‌ی مقطع عمودی) ساحه‌ی کاوش شده: مطالعه‌ی استراتی گرافی یکی از اصول اساسی حفریات باستان‌شناسی است که جهت شناخت طبقات و لایه‌های به‌میان آمده‌ی



شکل ۱: نمایی از دیوار مسجد که لایه‌های از مواد به‌کاررفته را نشان می‌دهد. مسجد گدیری.

تاریخی زمین صورت می‌گیرد. استفاده از این روش می‌تواند در تعیین تاریخ آبنده و اثر مؤثر باشد. با مطالعه‌ی هر لایه می‌توان قدمت شکل لایه، مواد موجود (اصلی یا ورودی) سطوح و یا سایر بقایای المنت‌های ساختمان‌های قبلی را دریافت. هم‌چنان مطالعه‌ی مقطع‌های مهندسی عمارت نیمه‌تخریب‌شده را باید مطالعه کرد. در یک آبنده‌ی تاریخی شاید بعضی لایه‌های قبلی توسط اضافات یا ترمیمات بعدی پوشیده شده یا هم بعضاً تخریب شده باشد که می‌توان آن‌را مطالعه و مشاهده نمود که با مطالعه‌ی دقیق مقطع‌های امتحانی هر لایه‌ی ساختمانی را می‌توان تعیین تاریخ نسبی نمود.

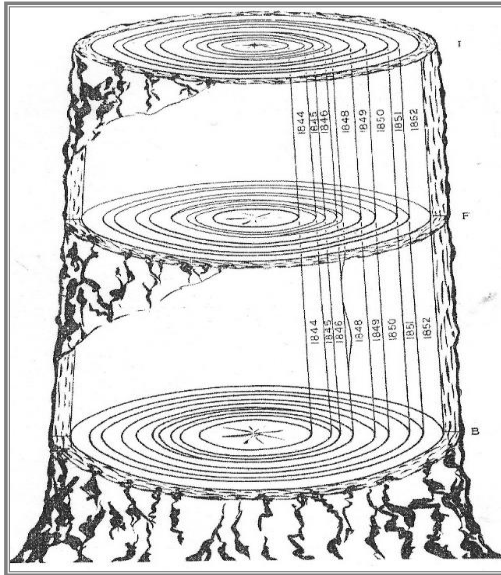
کرونوتایپولوژی Chrono-typology: تعیین تاریخ با مطالعه‌ی مواد ساختمانی، طرز ساخت و سبک مهندسی در مقایسه به نمونه‌ها و ابزار ساختمانی و هم‌چنان مطالعه‌ی سبک‌های مختلف مهندسی هم‌زمانی دیگر، یکی دیگر از راه‌های مطالعه‌ی ساختمان‌های تاریخی می‌باشد که می‌توان با استفاده از آن تاریخ ساخت و سبک‌های مهندسی یک ساختمان تاریخی یا یک بخش آن را تخمین و تعیین کرد. با استفاده از این شیوه تمامی ابزار مکشوفه در یک تسلسل رده‌بندی شده و در یک جدول از قدیمی‌ترین تا جدیدترین ابزار دسته‌بندی می‌گردند، تا بعداً در تحلیل ساختمانی از آن استفاده شود.

عمدتاً برای به‌دست آوردن معلومات علمی از طریق کرونوتیپولوژی مراحل ذیل را باید طی نمود:

۱. مطالعه‌ی منطقه از لحاظ جغرافیایی برای تحقیقات بعدی؛
۲. فهرست تمامی ابزار و اشیای که انتخاب شده برای تحلیل بیشتر و مقایسه‌ی آن با ساختمان‌های دیگر؛
۳. طبقه‌بندی ابزارها از لحاظ رنگ، سبک، اندازه، مواد و دیزاین؛
۴. طبقه‌بندی ابزار ساختمانی از لحاظ دوره‌های تاریخی و شباهت‌های شکلی.

با استفاده از نکات فوق می‌توان تحلیل مقایسه‌ی را انجام داد و مشخصات ساختمان تاریخی (استرکچر، دیزاین، مواد کاربردی، سبک...) به یک دوره‌ی خاص تاریخی اطلاق نمود. طی این مطالعه مشخصات مواد ساختمانی، طرز ساختمان، سبک کار در ساختمان‌ها مطالعه می‌گردد. اندازه و نوع خشت، رنگ، نوعیت مواد مصالح و سایر ویژه‌گی‌ها قدامت دیوارها و حتی ساختمان‌ها را می‌توان انعکاس دهد. به گفته دانش‌مندان از ۲۰ سال بدینسو شیوه‌ی متذکره در تعیین قدمت ساختمان‌ها به‌کار رفته است (Anna Boato, Daniela Pittaluga, www.ndt.net...).

دندروکرونولوژی Dendro-chronology: تعیین تاریخ از مطالعه‌ی حلقه‌های قشری در مقطع درخت می‌باشد. قشرشناسی درختان، یا به عبارت دیگر علم مطالعه‌ی لایه‌های درختان که از طریق خطوط درختان و لایه‌های آن که هر حلقه یک سال را نشان می‌دهد، نظر به موقعیت‌های جغرافیایی می‌توان در باره‌ی قدمت چوب تعیین تاریخ نمود که به اساس تحلیل آن می‌توان دوره‌های فرهنگی و تاریخی را نیز تشخیص داد. این یکی دیگر از شیوه‌های تعیین تاریخ در باستان‌شناسی می‌باشد. در ساختمان‌های تاریخی سنتی بعضاً ستون پایه‌های چوبی، دستک‌های چوبی و سایر ابزارهای چوبی به‌کار برده شده اند که می‌توان به‌حیث یک ابزار ساختمانی در تعیین تاریخ ساختمان‌ها نقش مهم داشته باشند.



شکل ۲: نشانه‌دهنده از حلقه‌های درختان که در تعیین تاریخ بکار موجود نیز درک نمود.

هم چنان از "دندروکرونولوژی" برای تشخیص تغییرات جوی (آب و هوا) در سال‌های گذشته و حال نیز استفاده صورت می‌گیرد. طوری که آن حلقه‌های چوب با میزان بارنده‌گی، رطوبت، خشک‌سالی و سایر عوامل محیطی ضخامت مختلف داشته و با مطالعه از آن می‌توان معلومات جوی طی عمر درخت چوب را تخمین زد. موضوع دیگری که قابل توجه است، تیپولوژی (پستی و بلندی) زمین را می‌توان از روی خطوط موجود در لایه‌های درخت

از این شیوه برای اولین بار توسط یک دانشمند آمریکایی (Andrew.E. Douglas) در اوایل قرن ۲۰ برای سنه‌گذاری آثار مکشوفه اریزونا و نیو مکزیکو به کار برده شد. مطالعه‌ی مقطع درختان منطقه تأیید کرد که رابطه‌ی مشترک و وسیع بین لایه‌های رشد ضخیم و باریک و ارقام بارش سال‌های آباد و خشک سالی مشاهده می‌شد. داگلاس می‌توانست تاریخ قطع و روش درختان قطع شده را بدون مراجع به اسناد دیگر از لایه‌های گسترده و باریک بااستانداردی که او ایجاد کرده بود، تعیین کند (<https://www.ltrr.arizona.edu/~cbaisan/Vermont/Erica/AED.pdf>.)

در واقع دندروکرونولوژی یعنی شمارش هر حلقه‌ی درخت، طوری که درختان در هر سال یک حلقه بدور خود اضافه می‌نمایند که با شمار حلقه‌ها تعداد سال‌های سپری شده، معلوم می‌شود، اما تعداد حلقه‌ها و هم چنان نازک بودن و عریض بودن حلقه‌ها رابطه‌ی مستقیم با آب و هوا دارد. طوری که در هوای گرم و مرطوب ضخامت حلقه‌ها بیشتر بوده، اما در مناطق کم‌آب و سرد، ضخامت حلقه‌ها نظر به نرسیدن بهتر آب نازک‌تر می‌باشد، پس چنین نتیجه می‌توان گرفت که از روی حلقه‌های درختان برعلاوه‌ی تعیین تاریخ، نوع رشد درخت در اقلیم متنوع را نیز می‌توان معلوم نمود (گزارش ریاست جیودوزی و کارتوگرافی)

تحلیل ساختمان از مطالعات سطوح پلسترها (Plastered buildings configuration analysis)

این جدیدترین شیوه‌ی مطالعه در بخش تحلیل مواد ساختمانی که در پوهنتون گینوا (جینوا) کشور ایتالیا روی آن تأکید صورت گرفته است. در این روش تأکید بیشتر روی تحلیل سطوح پلستر دیوارها و مواد به کار رفته در آن دارد که می‌توان از تغییرات وارده در ساختمان و یا در مراحل ترمیمات را دید. هم‌چنان شیوه‌های دیگر نیز وجود دارد، مانند مشاهده‌ی بعضی ساختمان‌های هم‌دوره‌ی تاریخی یک آبدیه با آبدیه‌ی دیگر، مقایسه تشابهات و اختلافات، دیزاین، سبک مهندسی همه می‌تواند در تحلیل و حفاظت بهتر یک آبدیه‌ی تاریخی مؤثر واقع شود (Krahling and others, 2008).

حال برای آگاهی بیشتر از شیوه‌های مطالعه در باستان‌شناسی ساختمانی (معماری)، به مطالعه‌ی یکی از عمارات مساجد تاریخی در شهر کهنه کابل که پروژه‌ی تعلیمی بوده و در حال جریان می‌باشد، می‌پردازیم:

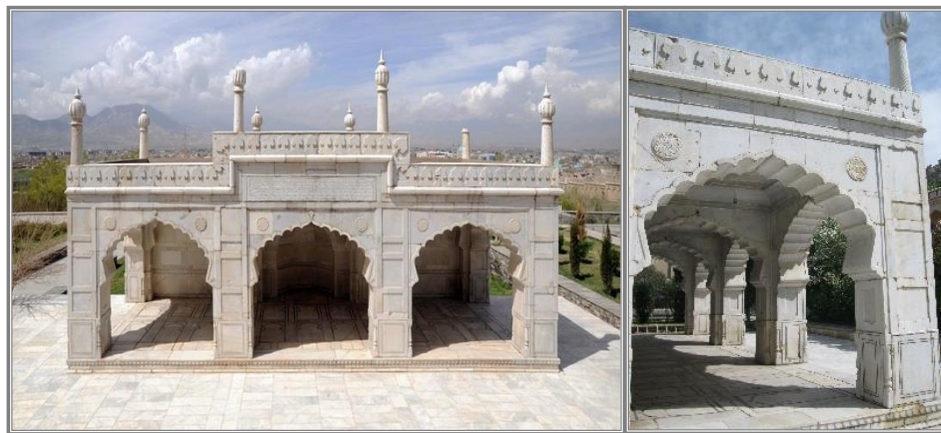
تاریخچه ساحه و عمارت مسجد گدري

آبدیه‌ی تاریخی شهری به نام مسجد گدري (یا گذری) در شهر کهنه‌ی کابل در یکی از کوچه‌های مشهور صنعتی و بازار سراجی / آهنگری مربوط گذر سراجی شهر قدیم کابل موقعیت دارد که دارای عمارت تاریخی و حویلی می‌باشد. این ساحه از طرف شرق به کوچه‌ی سرک سراجی و صل بوده و از سه طرف شمال، غرب و جنوب به خانه‌های رهایشی محاط می‌باشد. این کوچه راه ارتباطی مهم بین بالاحصار کابل، دروازه لاهوری، بازار سرپوشیده‌ی کابل (بازار چارچته) بوده است. سقف‌های بازار چارچته در جنگ اول افغان-انگلیس در سال ۱۸۴۲ به دستور میجر ژنرال جورج چولاک سوزانده شد. ساخت جاده‌ی جدید میوند در سال ۱۳۳۰ هـ. ش این راه تاریخی را قطع نمود.

از داستان‌های شفاهی فهمیده می‌شود که درین ساحه، عمارتی را برای مسجد، یک خانم تمویل کرده است که زمانی از اذیت یا خشونت خانوادگی به مقابر شهدای صالحین پناه برده، در آنجا خرقه‌ی (چپن) کدام ملنگ مزین با سکه‌های با ارزش به دست‌اش آمد و در بازگشت به شهر تصمیم گرفت آن را در راه خدا صرف نموده ساختمان یک مسجد (شاید عمارت کوچک) را تمویل نمود.

چهار مسجد اصلی شهر قدیم کابل که در سال ۱۲۹۱ هـ. ش (۱۹۱۲ م) گزارش داده شده عبارت‌اند از مسجد بالا چوک ساخته شده‌ی عصر بابر، یک مدرسه‌ی کالج ساخته شده توسط شاه جهان مسجد سفید ساخته‌ی تیمورشاه، مسجد پل‌خشی ساخته شده توسط شجاع‌الملک. به احتمال قوی و مشاهدات عناصر ساختمانی به دست آمده از کاوش باستان‌شناسی مسجد گدري آن عمارت مسجد و

مدرسه‌ی عصر شهاب‌الدین خرم (شاه جهان) (۱۶۲۸-۱۶۵۸م) می‌باشد (نجیمی، ۲۰۱۶). هم‌چنان قابل ذکر است که مسجد کوچک مرمرین درباغ بابر نیز از ساخت عصرشاه جهان می‌باشد.



شکل ۳: مسجد شاه جهانی واقع باغ بابر کابل

طوری که از متون تاریخی بر می‌آید، محی‌الدین اورنگ‌زیب (عالمگیر) شاه مغولی (۱۰۶۸ق/-/۱۱۱۸ق/۱۷۰۷-۱۶۵۸م) نیز در اعمار مساجد و ساختمان‌های عصر خویش نقش برجسته داشت، در حوزه‌ی شهر قدیم کابل نیز مساجدی را در عصر ولایت شمشیرخان و علیمردان خان عمران کرد (اصغر، ۱۳۶۴). و چون این عمارت مسجد‌گذاری ممکن از اثر نم زمین و آب‌خیزی‌های فصلی صدمه دیده و ترمیم‌طلب بود در عصر اورنگ‌زیب به اکمال رسیده است که یک لوحه سنگ کوچک مرمری مکشوفه آن‌را مستند می‌سازد. عمارت مسجد تاریخی دیگر درین ناحیه مسجد گل‌دسته می‌باشد که گفته می‌شود اعمار عصر اورنگ‌زیب می‌باشد، و تقریباً ۱۳۰ متر به سمت جنوب مسجد‌گذاری در کوچه تنورسازی موقعیت دارد. طبق مشاهده و تحلیل آثار و عناصر ساختمانی ظاهرشده طی کاوش عمل باستان‌شناسی، فهمیده می‌شود که عمارت تاریخی مسجد مذکور اقل‌اطی دو دوره مختلف ساخته و مرمت شده بود که هر دوره معماری و مرمت نماینده‌گی از دوره‌های خاص تاریخی تیموری و مغلی را انعکاس می‌دهد.

مسجد اصلی قبل از قرن هجدهم میلادی تخریب شده بود. هنوز مشخص نیست که آیا آن عمارت را سیلاب، زلزله یا جنگ آسیب رسانیده بود، یا با گذشت زمان از اثر بی‌توجهی حفظ و مراقبت ویران شد. در زمان حکومت تیمورشاه درانی که کابل را پایتخت ساخته و بسا امور عمرانی را زیر دست گرفت، ویرانه‌ی مسجد قبلی مدفون و ساختمان جدید و مرتفع ساخته شد. از مواد ساختمانی خشت عمارت قبلی برای ساختن عمارت جدید سازهای در بالای مساحت قبلی تا حدی استفاده شده است.

هم‌چنین این عمارت هم آسیب دیده بود که شاید از اثر عملیات جنگی عساکر انگلیس و مقاومت مردمی شهر کابل صورت گرفته باشد. بنابر گزارش‌ها در اوایل سال ۱۹۰۰ در طی دوره‌ی سلطنت امیر حبیب‌الله خان با کمک مالی توسط یک تاجر محلی خواجه کرام‌الدین مرمت مجدد شد. این تعمیردارای سقف بلند و روشن‌دان‌ها (یا دریچه‌های تهویه) به سبک معماری که در هند بریتانوی معمول گردیده بود، ساخته شده است. ترمیمات بعدی نیز به نظر می‌رسد. بام‌های این عمارت با ورق‌های آهنی پوشیده شد. این عمارت طی جنگ‌های جناحی کابل در سال ۱۳۷۱-۱۳۷۵ هـ. ش (۱۹۹۲-۱۹۹۶ م) آسیب دید؛ شاید با مرمی‌های هاوان از بالا حصار یا کاسه برج کوه شیردروازه؛ یا خمپاره از طرف مقابل بام‌ها و دیوارهای شمالی و هم ضلع جنوبی این سازه کاملاً تخریب گردیدند و برای مدت دراز به حالت نیمه ویرانه باقی ماند.

تصاویر که در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) از مسجد گرفته شد، نشان می‌دهد که در قسمت نگه‌داری آن من حیث یک آبدی تاریخی توجه کافی صورت نگرفته ولی مدتی حویلی این ملکیت برای مکتب استفاده می‌شد که صنوف درسی را درخیمه‌ها برافراشته در حویلی تنظیم نموده بودند. هم‌چنان مسکونین همسایگان این محل نیز نه تنها بی‌توجهی داشتند بلکه با استفاده‌ی نادرست از فضای مسجد و شستن فرش‌های خانه‌های شان در برنده‌ی عمارت مسجد به این ساختمان نم و آب رسانیده صدمه‌ی ساختمانی وارد کرده بودند. همسایه‌های جنوبی مسجد با عمل اعمار مجدد خانه سنتی شان نیز با انداختن کثافات و خاک تخریبات ملکیت شان به این محل اسباب تخریبات عمارت این مسجد را فراهم کرده بودند. این عمارت در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) این عمارت بالکل تخریب گردیده و سقف آن فرو ریخته بود.



شکل ۴: عکس هوایی منطقه‌ی سراجی و تنورسازی شهر قدیم کابل، ۲۰۰۹



شکل ۵: ساحه‌ی مسجد گدري را با عمارت نیمه‌ویرانه و خیمه‌های مکتب در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد.



شکل ۶: ویرانه‌ی سقف مسجد را در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد.

پروژه‌ی احیا و بازسازی عمارت گدري

بنیاد فرهنگی آغا خان بر اساس پروژه‌ی حفاظت از آبدات تاریخی در شهرهای تاریخی افغانستان در همکاری با دیپارتمنت مهندسی پوهنتون کابل طی پروگرام تربیه‌ی مهندسان جوان در امور حفظ و ترمیم عمارات تاریخی و تمویل مالی پروگرام فرهنگی سفارت امریکا، ترمیم ویرانه‌ی عمارت مسجد متذکره را در سال ۲۰۱۴ آغاز نمود. این پروژه به شکل پروژه‌ی آموزشی پوهنتون کابل یک محل مناسب را برای انجام کارهای عملی محصلان دیپارتمنت مهندسی و دیپارتمنت باستان‌شناسی

پوهنتون کابل مهیا نموده است که این خود بر اهمیت پروژه افزوده است. شروع کار پروژه با مراحل مختلف علمی و مطابق به نورم‌های ملی و بین‌المللی در خزان آن سال آغاز یافت و مراحل آن به شکل ذیل فهرست می‌گردد.

۱. سروی ساحه و ویرانه‌ی عمارت مسجد متذکره؛
 ۲. سروی مهندسی، عکاسی و مشاهداتی- مستندسازی (داکومنشن) ساحه و ویرانه‌ی عمارت مذکور که شامل ثبت وضعیت ساختمانی موجوده، دادن استاد ساختمانی به دیوارها و عناط معماری که خطر فرو آمدن داشتند؛
 ۳. حفر مقطع‌های لازم (سکشن‌های اطراف دیوار و تهداب‌ها که جهت پیدا نمودن و مطالعه‌ی تهداب‌های دیوارها و ارزیابی مقاومت و استحکام آن‌ها به منظور ترمیم دوباره‌ی عمارت؛
 ۴. حفريات باستان‌شناسی برای فهم بیشتر تاریخ و عناط معماری و ساختمانی؛
 ۵. جمع‌آوری بعضی ابزار تزئیناتی مربوط به ساختمان مانند: ابزارهای مربوط به رواق‌ها، دیوارها، ستون پایه‌های خوابیده و محراب‌ها (این عمارت مسجد سه محراب دارد)؛
 ۶. حفر سکشن‌ها امتحانی جهت مشخص نمودن استرکچر اصلی ساختمان؛
 ۷. ثبت و راجستر اشیای مکشوفه برای تحقیقات بعدی؛
 ۸. مرحله‌ی عملی مرمت ساختمان مسجد؛
 ۹. ترمیمات لازم در تهداب‌های عمارت؛
 ۱۰. ترمیمات لازمه در دیوارهای باقی‌مانده عمارت؛
 ۱۱. بازسازی قسمت‌های از بین رفته ساختمان عمارت (دیوارها، طاق‌ها)؛
 ۱۲. ترمیم دروازه‌ها و کلکین‌های نجات یافته از مخروبه ساختمان توسط تیم نجاری و آماده ساختن آن برای استفاده‌ی مجدد در مسجد متذکره؛
 ۱۳. مدل‌سازی جدید برای مسجد متذکره با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن.
- مهندسان مؤظف در ساحه، در بخش‌های مهندسی آن کار نموده اند و بخش مربوط به باستان‌شناسی و مطالعه‌ی ابزار و سایر ابعاد تاریخی آن مسأله ایست که مورد بحث این مقاله‌ی تحقیقی قرار می‌گیرد.

حفریات باستان‌شناسی معماری در مسجد متذکره

برای این‌که حقایق ساختمانی و مراحل مرمت طی دوران تاریخ این عمارت بهتر واضح گردد، لازم بود کاوش‌های باستان‌شناسی صورت بگیرد. طی این مطالعات واضح گردید که مرمت مسجد گدردی از اوایل ساخت آن شامل چهار بخش بوده است:

- اعمار مسجد زیرزمینی (اصل ساختمان که آثار ساختمانی دوره مغولی شاهنشاهی را نشان می‌دهد و بعد از زمان حکومت اورنگزیب هم ترمیمات مجدد صورت گرفته است)؛
- اعمار مجدد مسجد (حالت فوقانی) در زمان تیمور رشاه درانی (بعد از انتقال پایتخت از قندهار به کابل)؛
- مرمت اول در زمان حکومت امیر عبدالرحمن خان و یا پسرش امیر حبیب‌الله خان که شامل ایجاد برنده و دروازه‌های ورودی عمارت مسجد می‌شوند و آهن‌پوش‌های بام‌ها؛
- مرمت دوم، که شامل اضافه‌کاری‌ها و پرکاری طاق‌های طاق‌های صدمه دیده ساختمان درانی می‌شود؛ ویلسترهای سمتی پیزاره‌های دیوارها و پایه‌های عمارت.



شکل ۷: انجینئر مؤظف در ساحه (یاسین هجرت) با جمع از محصلان باستان‌شناسی در حال ترسیم بخش‌های از دیوار هشتی (ادخال) مسجد، سال ۲۰۱۵

در مسجد مذکور، در مجموع ۲۶ سکشن به‌طور موازی حفر گردید تا توانست بقایای ساختمانی عمارت اصلی این مسجد را پیدا نمود، بقایای پایه‌های نیمه و مخروبه دیده شدند. عین کاوش و انتقال خاک آن به تعداد زیاد ابزار ساختمانی (خشت و پلاسترها)، ظروف سفالی و بقایای چوب کشف شده است.

حفریات زمينه‌ی خوب آموزش علمی و عملی برای محصلان رشته‌ی باستان‌شناسی

اینک واضح گردید که ساختمان اصلی این عمارت حد اقل دوره‌ی تاریخی بیشتر از ۳۶۵ سال دارد، لازم گردید تا از زمينه‌ی استفاده نموده محصلان رشته‌ی باستان‌شناسی پوهنتون کابل را در کاوش‌ها دخیل ساخت، تا هم برای آن‌ها یک زمينه‌ی خوب کار عملی میسر شود و هم کاوش‌ها لازمه انجام گردد. محصلان هفته یک یا دو بار به گروپ‌های ده نفری به ساحه آمده با همکاران ساحوی در کاوش‌ها اشتراک می‌کردند. ضمناً مهندسین در ساحه برای محصلان ترسیمات و اسنادسازی ساحه‌ی کاوش شده و ترسیمات سفال‌های به‌دست آمده را آموزش می‌داند. به تعداد بیشتر از ۶۰ تن از محصلان (پسران و دختران) ازین برنامه آموزشی استفاده نمودند و سه تن از فارغان این رشته برای مدتی بیشتر در کارهای باستان‌شناسی پروژه سهم گرفتند.

عناصر عمده‌ی مسجد بالایی (عصر درانی و بعد)

ساختمان مسجد متذکره دارای مشخصات و سبک هنری هندی و معاصر (هندی و انگلیس) می‌باشد که فضای آن به تقلید از تهداب‌های اصلی زمان مغولی انگیزه گرفته است و بر سر ویرانه ساختمان مغولی احداث گردیده است.

- این ساختمان من حیث یک فضای با سقف بلند دارای پنج واحه می‌باشد که واحه‌ی مرکزی و دو واحه‌های جنبی عمارت دارای محراب‌ها می‌باشند. واحه‌ها با موجودیت قوس‌های کمانی و رواق‌ها از هم تشخیص می‌شوند و موجودیت روشن‌دان‌های بلند به سمت بام‌ها روشنی بیشتر را به فضاها تأمین می‌کنند. عمارت مسجد در قسمت شرقی برنده نیز دارد که به سبک معماری اوایل قرن بیستم کابل تنظیم شده است و تحت آن یک زیر زمینی فضای را برای نمازگذاری در زمستان‌ها فراهم می‌کرد؛

- موجودیت چهار منار که جنب‌های هر یکی از دو باب دروازه ادخال را تشخیص می‌دهد؛

- یک حویلی بزرگ به مساحت تقریباً ۱۰۹۵ مترمربع (کمی بیشتر از نیم جریب کابلی)؛

- ساحه‌ی عمومی مسجد توسط یک درب ساختمان خشتی بشکل هشتی (مغولی، هراتی یا قندهاری) که مساحت کلی ملکیت مسجد بیشتر از ۱۹۲۹ متر مربع (یا تقریباً یک جریب کابلی) می‌باشد. به مساحت ۲۹۰ متر مربع زمین در سمت جنوب غرب عمارت مسجد احیا و به ملکیت مسجد علاوه شده است.

پروژه‌ی گذری به عنوان یک محل خوب آموزش عملی برای محصلان رشته‌ی مهندسی و باستان‌شناسی

تمبرینات حفریات عملی و ترسیمات محصلان رشته‌ی باستان‌شناسی

پروژه متذکره بر علاوه‌ی اینکه مسجد نیمه‌ویرانه‌ی دوره‌ی شاه جهانی و اورنگزیب را در زیرزمینی اش من حیث یک ویرانه‌ی باستانی احیا و به نمایش می‌گذارد، قسمت بالائی را من حیث فضای عامه مسجد و محل آموزش و فرهنگ بازسازی می‌نماید و در خدمت اهالی محل قرار می‌دهد. دوره‌ی کار درین محل یکی از خوب‌ترین فرصتها را برای انجام کارهای عملی برای محصلان پوهنتون کابل تحت برنامه خاص فراهم می‌سازد که برای بنده که به حیث استاد باستان‌شناسی در ساحه عملاً حضور دارم و هم چنان این که به حیث اسیستانت تدریسی در پروگرام‌های آموزشی با دیپارتمنت مهندسی، پوهنخی انجینیری، همکاری داشته‌ام زمینه‌ی کار باستان‌شناسی با مهندسی قدیمی و تاریخی را وسعت بخشیده نیز تجارب خوب را در زمینه‌ی به‌دست آورده‌ام که در امور تدریسی من در دیپارتمنت باستان‌شناسی پوهنخی علوم اجتماعی مفید واقع می‌شود.

مهم است در واقع تجربه عملی از مفهوم باستان‌شناسی ساختمانی که جز لاینفک مرمت (حفاظت از آبدات تاریخی) می‌باشد، را محصلان حاصل نمایند.

مسجد گذری، پروژه در حال مرمت از سال ۲۰۱۵ بدین سو

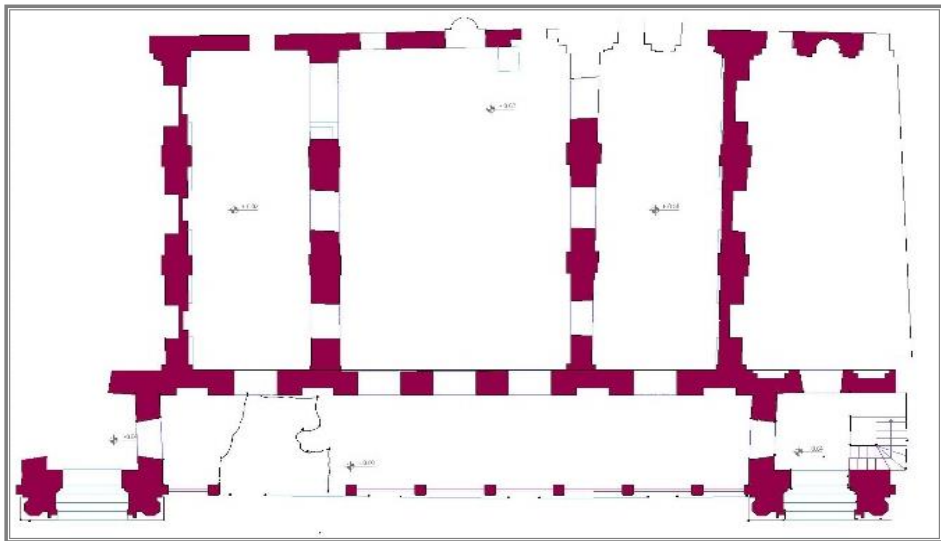
استرکچر اصلی مسجد

طوری که در پلان ساحوی فوق دیده می‌شود، مسجد مذکور دارای پنج سالون بوده که به نام‌های A, B, C, D, E نام‌گذاری شده است. در سه سالون (A, C, E) دارای محراب‌های جداگانه بوده که در قسمت وسط اعمار گردیده است. دو محراب آن کوچک و محراب که در قسمت وسط ساخته شده بزرگ‌تر می‌باشد. در قسمت بالایی دیوارها سه روشن‌دان دیده شده که دارای کلکین‌های چوبی می‌باشد، هم چنان دو دروازه ورودی (داخل) بوده که هر کدام دارای دو مناره بوده و در مجموع چهار مناره در مسجد موجود می‌باشد.

مسجد تاریخی گذری در جنگ‌های گروه‌های متخاصم کابل در سال‌های ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵ (۱۹۹۲-۱۹۹۶) ۵۰ فیصد تخریب و آسیب دیده بود، با آن هم در سال‌های بعدی من حیث مکتب محل بکار می‌رفت. تعمیر اصلی مسجد شریف به شکل مستطیل و یک منزله می‌باشد. طول داخل آن ۳۵ متر و عرض آن ۱۹ متر بوده و با سقف بلند چوب پوش ساخته شده و بام‌های آن با آهن پوش تکمیل گردیده است. فضای داخلی مسجد دارای پنج سالون است که عرض‌های آن متفاوت ولی ما محور مرکزی متناظر می‌باشد. سالون مرکزی که بزرگ‌تر است (مساحت ۱۰۸ متر مربع) با سه کلکین و یا

روشن‌دان در طرف راست و سه در طرف چپ ارتفاع سالون نور می‌گیرد که همزمان مثل دریچه‌های تهویه در فصل گرما به کار می‌رود.

در سمت شرقی عمارت مسجد برنده سرپوشیده قرار دارد که دیوار شرقی آن با پایه‌ها و کمان‌ها تکمیل گردیده است. دو باب درب ورودی در کناره‌ی شمال و جنوب نمای شرقی عمارت قرار داشته هرکدام با دو منار تشخیص شده اند که به زیبایی این بنای اسلامی و تاریخی به سبک عصر سراجیه تعلق می‌گیرد. حویلی این مسجد با یک دروازه‌ی بزرگ ورودی که در وسط احاطه شرقی (سمت کوچه با سرک سراجی) و خط محوری محوطه قرار دارد، راه داشته است. این ساختمان به سبک درب‌های ورودی مکان‌ها هراتی و قندهاری با یک نقشه هشت ضلعی و سقف گنبدی ساخته شده است.



شکل ۸: پلان ساحوی مسجد، سال ۲۰۱۵

مصلاهای داخلی مسجد گنجایش ۵۸۰ نفر نماز گذار را در یک وقت داشته است سطوح دیوارهای داخلی ساختمان با گچ سفید به روی کاه‌گل تکمیل گردیده و قسمت محراب نیمه‌ویرانه آن نشانی از رنگ‌های روغنی را نشان می‌داد. در صحن حویلی آن یک نل آب و یک بمبه‌ی آب برای وضوء و چهار اندام که بعدها اعمار گردیده است موجود می‌باشد. استرکچر اصلی ساختمان که دوره‌های معماری از زمان شاهان مغلی (شاه جهان و اورنگزیب) الی عصر اخیر باقی مانده و چندین دوره مرمت را پشت سر گذاشته‌اند است، در اعمار ساختمان مذکور از مواد هم‌چون سنگ، چونه، خشت خام، پخته و آهن چادر استفاده به عمل آمده است.

حالت موجوده‌ی مسجد

تصویر هذا حالت ویرانه‌ی مسجد را در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که از ۱۰۰ فیصد ساختمان ۲۰ در صد آن موجود بوده و باقی قسمت‌های آن در اثر جنگ‌های داخلی، وضعیت نامساعد طبیعی و تخریب توسط اهالی محل، به حالت فعلی تغییر نموده است.



شکل ۹: زیرزمینی مسجد در حال مرمت، ۲۰۱۵

مسجد زیرزمینی (مسجد زمستانی)

مسجد زیرزمینی دارای هشت رو شن‌دان (کلکین) های چوبی بوده و یک در ورودی که به اتاق بالا متصل می‌شود، نیز در آن مشاهده می‌شود.



شکل ۱۰: فرش اصلی (خشت کارهای) اصلی مسجد را نشان می‌دهد، ۲۰۱۵

دروازه ورودی مسجد

دروازه ورودی مسجد که به طرف سرک کوچه سراجی کشیده شده، دارای معماری هشتی یا هشت ضلعی بوده است که بر اثر ترمیم دوباره سرک به اندازه‌ی تقریباً یک متر پائینتر از سرک عمومی پائین تر قرار دارد. در ساخت هشتی که هنر معماری دوره‌ی مغلی را منعکس می‌سازد، از خشت پخته، ریگ، گچ و گل استفاده شده است.



شکل ۱۱: هشتی یا ادخال مسجد، ۲۰۱۵

قسمت‌های از سقف آن در اثر عوامل مختلف نشست نموده که برای جلوگیری از فرو ریختن آن بعضی پایه‌های چوبی به شکل (فانه) جهت محکم نمودن آن استفاده گردید تا از دور شدن دیوار و تخریبات بیشتر در هنگام مرمت جلوگیری به عمل آید. جهت دانستن مقاومت دیوارها در سمت راست هشتی سکشن دیگر حفر گردید که در اثر آن یک آتش‌دان با دو رواق کشف گردید، در نتیجه معلوم گردید که برای گرم ساختن مسجد زمانی از آتش‌دان نیز استفاده می‌نمودند.



شکل ۱۲: سمت راست دروازه که بیرون از هشتی (در ورودی عمومی مسجد) قرار داشته و در اثر حفاریات یک آتش‌دان با دو رواق کشف گردیده است، ۲۰۱۵.

در قسمت کف آن از خشت‌های نامنظم استفاده گردیده و در مجموع هشت روشن‌دان دارد که شش کلکین تخریب شده و دوی آن در بخش E تا حال باقی مانده است. چیزی دیگری که از کف مسجد زیرزمینی بیرون شده، یک مربع می‌باشد که تا هنوز معلوم نیست کاربرد آن در این اتاق چه بوده است.



شکل ۱۳: روشن‌دان‌های مسجد زیرزمینی، ۲۱۰۵

صالون A: صالون A در سمت غرب مسجد قرار دارد که در سمت راست آن سه دروازه‌ی کمانی وجود دارد و در سمت چپ آن دیوار اصلی مسجد قرار دارد. در قسمت وسط آن یک محراب مثل محراب سمت غربی وجود دارد، تیم کاری برای دانستن تهداب‌ها اطراف دیوارها را به عمق ۱-۲ متر حفر نمودند که بر اثر آن محراب با عین اندازه کشف شد. اندازه‌ی محراب متذکره از خشت پخته ساخته شده است.

برای آگاهی بیشتر از موجودیت محراب در زیر صالون A و رابطه‌ی آن با مسجد زیرزمینی چهار سکشن امتحانی دیگر حفر گردید که در نتیجه، ستون پایه‌ها مدفون، کشف گردید، تیم مهندسان و باستان‌شناسان را به این نتیجه رسانید که اتاق دیگر با عین اندازه وجود داشته که در ورودی به مسجد زیرزمینی داشته است. برای پیدا نمودن دروازه‌ی ورودی کار حفریات ادامه پیدا نمود که به تعقیب آن زینه‌یی که اتاق منزل اول را در سمت جنوبی با مسجد زیرزمینی وصل می‌کند، کشف گردید.



شکل ۱۴: راست؛ راه‌زینه‌ی مسجد را نشان می‌دهد که به مسجد زیرزمینی می‌رود و چپ؛ تصویر محراب اولی مسجد را در سالون E نشان می‌دهد.

زینه‌ی متذکره اتاق بالا را با بخش مسجد زیر زمینی وصل مینماید، که در ساخت آن از چوب، گل و خشت استفاده شده است. هم‌چنان در اثر حفاریات از تهداب‌های دیوارها در سمت مسجد زیرزمینی دروازه ورودی، که مسجد قدیم را به اتاق‌های دیگر وصل می نمود، نیز کشف گردید.

سالون B: در سالون B سه سکشن امتحانی جهت آگاهی از مستحکم بودن دیوارها و پیدا نمودن رازهای گم شده مسجد زیر زمینی حفر گردید. در قسمت وسط سالون محراب نسبتاً کوچک‌تر از محراب اصلی دیده شده و سقف آن وجود ندارد. دو در ورودی که بخش غربی را با سالون اصلی وصل می کند دیده شده، که چندین دوره مورد مرمت قرار گرفته است. دروازه‌های که در وسط سالون قرار داشته دارای کمان‌ها یا قوس‌های بوده که در دوره‌های مختلف اضافات در آن صورت گرفته و فعلاً به‌شکل بسته و خشت کاری دیده می‌شود.



شکل ۱۵: سمت راست راه‌پله‌های یا راه‌زینه‌ها را نشانه می‌دهد و سمت چپ دروازه ورودی به سالون B مزین با کمان بزرگ بوده، که دارای دو مناره بوده و به سبک هنر مغولی ساخته شده است، سال ۲۱۰۵.

سکشن که در سمت راست محراب حفر گردیده است. هم‌چنان در بخش دروازه ورودی سمت راست آن زین‌های ارتباطی دیده می‌شود که منزل اول را با سقف آن ارتباط می‌دهد و چندین دوره مرمت را پشت سر گذاشته است. در مرمت آن از خشت‌های خام مستعمل استفاده شده است. در پهلوی آن یک اتاق در زیر زین نیز دیده می‌شود.

با ادامه‌ی حفاریات در این بخش یک کانال سنگی که از شروع دیوار صالون الی ختم دروازه‌ی ورودی کشف گردید که در رابطه به موجودیت آن فرضیه‌های ذیل وجود دارد:

- کانال متذکره جهت انتقال آب بر داخل عوض مسجد ساخته شده است؛
- کانال متذکره آب‌رو بوده که جهت انتقال آب اضافی (برف و باران) از داخل مسجد به بیرون، ساخته شده است؛
- موجودیت بعضی نمونه‌های ذغال چوب بیان‌گر اینست که شاید آتش‌دان در آن‌جا قرار داشته، جهت گرم نمودن صالون غربی، ساخته شده و حرارت آن توسط کانال متذکره به داخل هدایت می‌گردید؛
- و بالاخره این که کانال نام‌برده جهت تهویه‌ی هوا (انتقال رطوبت) صالون نام‌برده کاربرد داشته است.

صالون C: صالون C دارای یک محراب بزرگتر از دو محراب اتاق همجواریش بوده، که در قسمت نسبتاً وسط اتاق اعمار گردیده است. دیوارهای آن از طرف محراب و در ورودی بکلی تخریب گردیده و به دو طرف آن دروازه‌های ورودی با دیوارها بشکل نیمه ویرانه بدون سقف باقی مانده است. در صالون متذکره بخش‌های از منبر که از سنگ مرمر سفید ساخته شده، باقی مانده است.



شکل ۱۶: زین‌های از سنگ مرمر را نشان می‌دهد که به منبر این صالون ختم می‌شود، ۲۱۰۵



شکل ۱۷: سمت عقب محراب عمومی مسجد سنگ کاری به شکل دایروی کشف، که جهت تقویت نمودن محراب، احتمالاً ساخته شده است، ۲۰۱۵

در ضمن برای دانستن بخش‌های زیرزمینی مسجد، کندن کاری‌های در این بخش صورت گرفت که منجر به کشف ستون‌های خوابیده گردید، از کشف آن چنین استنباط می‌گردد. بعد از تخریب مسجد اولی (زیرزمینی)، کف آن پرکاری شده و ستون‌ها در زیر زمین دفن گردیده اند. در مجموع دو سکشن امتحانی در آنجا حفر گردیده که در این سکشن بر علاوه‌ی ستون پایه، بعضی از ابزار تزئینی نیز کشف شده که در شناخت سبک معماری مسجد کمک شایان می‌نماید.



شکل ۱۸: ستون پایه خوابیده که از طریق حفر سکشن‌ها به دست آمده و دارای سبک تزینات هنری مغولی می‌باشد، ۲۰۱۵

صالون D: در این اتاق نیز سکشن‌های جهت پیدا نمودن ستون‌های خوابیده حفر گردید، در نتیجه معلوم می‌شود که این ستون‌ها همسان با سه سالون دیگر بوده، هم‌چنان دروازه‌ی ورودی مسجد زیرزمینی با سایر اتاق‌های که بعداً پرکاری شده، کمک شایان به شناخت استکچر اصلی ساختمان دوره‌ی مغولی می‌نماید. طوری که، با ادامه‌ی حفریات در این بخش روشن گردید که عین ستون پایه‌ها در بخش‌های A, B هم وجود دارد. ستون پایه خوابیده این را ثابت می‌سازد که مسجد متذکره دارای اتاق‌های بزرگ در زیر ساختمان اصلی بوده است.



شکل ۱۹: سکشن حفر شده را برای شناخت ستون پایه‌های خوابیده را نشان می‌دهد، ۲۱۰۵.

صالون E: این اتاق را می‌توان از جالب‌ترین اتاق‌های مسجد یادآوری نمود، زیرا اولین حفریات برای پیدا نمودن استکچر اصلی ساختمان از همین اتاق شروع شد که با کشف محراب خشتی و هم‌سان با محراب منزل اول، دید مهندسان را در رابطه به دیزاین قدیمی مسجد تغییر داد و با ادامه‌ی حفریات در اتاق‌های بعدی به کلی روشن گردید که مسجد متذکره دارای یک طبقه‌ی تحتانی دیگر نیز بوده، که نظر به عوامل نامعلوم پرکاری شده و طبقه‌ی بالای آن تا چندین دوره مورد مرمت و استفاده قرار گرفته است.

آخرین بخش را که می‌خواهم در باره‌ی آن در این مقاله بحث شود، ساحه‌ی حفاری شده در حیاط (صحن داخلی) از مسجد زیرزمینی است که جهت جذب آب مسجد در اثر برف و باران‌های شدید، حفر گردید. در این حفره چند خط خشت‌کاری کشف گردید، که شاید با حفریات بیشتر باستان‌شناسی بتوان معلومات بیشتر در رابطه به متذکره ارائه نمود.

پلان آینده جهت مرمت مسجد متذکره

مسجد نام‌برده از ماه جون سال ۲۰۱۴ بدین طرف با در نظر گرفتن تمامی قوانین ملی و بین‌المللی در رابطه به مرمت آبدات تاریخی تحت مرمت بوده که با استفاده از شیوه‌های عکس‌برداری، استفاده از برنامه‌ی آتوکت و تعیین اندازه‌های دقیق دیوارها و سایر پلان اصلی ساختمان، ترسیم نقاط و اسکچ آن برای آرشیف مسجد، تحت مستندسازی شده است. فعلاً با اندک فاصله، کار مرمت مسجد متذکره روبه اتمام بوده که می‌تواند، دوباره مورد استفاده اهالی محل قرار گیرد.



شکل ۲۰: نمای از ختم دوره مرمت این مسجد در دسامبر ۲۰۲۰

نتیجه‌گیری

میراث‌های فرهنگی جزو لاینفک شناخت ملت‌هاست. منابع تاریخی امروز این را ثابت می‌سازد که کشورهای قدرت‌مند و متمدن جهان با الگو قرار دادن فرهنگ و داشته‌های فرهنگی شان توانستند، اختراعات و دست‌آوردهای جهت فراهم‌آوری سهولت‌های زندگی در طول سالیان متمادی داشته باشند. شناخت و درک اجزای فرهنگی یک ملت بستگی به میزان سطح آگاهی مردم دارد و در این زمینه نقش مکاتب، پوهنتون‌ها، انستیتوت‌های تخنیکی و مسلکی، رسانه‌های سمعی و بصری و در مجموع نقش مردم در نگه‌داری از فرهنگ و داشته‌های که به میراث برده اند، می‌تواند چشم‌گیر باشد.

نظر به ساختارهای فرهنگی و ویژه‌گی‌های فرهنگی ملت‌ها، فرهنگ خاصیت تغییرپذیری داشته و در مدت زمان خاص سایر فرهنگ را در خود جذب و یا هم منتشر می‌سازد که حفاظت از فرهنگ اصیل و بومی و انتقال آن برای نسل‌های جدید، رسالت فرهنگی هر فرد و جامعه می‌باشد. متأسفانه در جهان امروزی، با وجود سهولت‌های تکنولوژیکی، خطر زیادی میراث فرهنگی بشریت را تهدید می‌کند که می‌توان از آفات طبیعی (زلزله، سیلاب‌ها، برف و باران‌های شدید، رطوبت...) و تخریبات انسانی (تخریب ساحات باستانی و آبدات تاریخی، اعمار شهرهای جدید، احداث سرک‌ها، دوزدی و غارت ساحات باستانی و آبدات تاریخی و ده‌ها موارد دیگر، نام برد.

در کشورهای متمدن جهان تا اندازه‌ای توانسته‌اند، با ایجاد قوانین ملی و بین‌المللی و دایر نمودن کنفرانس‌ها با استفاده از رسانه‌های جمعی، جلو این تخریبات را بگیرند و اقدامات لازم را فراهم نمایند، اما در کشوری مانند افغانستان، که سالیان متمادی بار جنگ‌های تحمیلی و داخلی را می‌کشد و ضربات سنگین را با از دست دادن میراث فرهنگی اش متقبل می‌شود، نمی‌توان تنها با مسئولیت‌های دولت در قبال میراث‌های فرهنگی بسنده دانست. نسل جوان و تحصیل کرده مسئولیت خطیر را در این بخش داشته که با فراهم نمودن زمینه‌ها و اشتراک شان در حفظ اصالت فرهنگی می‌توان کمک شایان در زمینه انجام دهند.

پروژه‌ی حفاظت و مرمت از مسجد تاریخی گدیری که توسط بنیاد فرهنگی آغا خان با کمک مالی سفارت ایالات متحده آمریکا نه تنها بزرگ‌ترین فرصت را برای انجام کارهای عملی و علمی برای محصلان پوهنتون کابل (دیپارتمنت مهندسی و دیپارتمنت بشرشناسی و باستان‌شناسی) که در این وضعیت نامساعد امنیتی، بیشتر به ساحات باستانی و تاریخی جهت انجام کارهای عملی، رفته نمی‌توانند، می‌تواند زمینه‌ساز بهترین پروژه‌ی کارهای عملی برای محصلان نام‌برده و سایر علاقمندان مساعد گرداند.

بنده به حیث یک باستان‌شناس و استاد پوهنتون، برای اولین بار فرصت این را پیدا نمودم تا جهت بالابردن سطح آگاهی از کارهای عملی در آبدات تاریخی، تجربه جدید علمی و عملی کسب نمایم و برای انتقال آن از طریق تدریس نسل‌های بعدی را نیز آگاه سازم و مسوولیت خویش را در قبال اصالت فرهنگی کهن این مرز و بوم تا حدی انجام داده باشم. بناءً، پیشنهادهای ذیل را ارائه می‌دارم:

پیشنهادها

۱. مسجد متذکره یک مدل خوب از مرمت آبدات تاریخی به شمار می‌رود، از مهندسان تازه‌کار توقع می‌رود تا از این مسجد دیدن نموده، از ظرافت‌ها و تعمق بیشتر کار این مسجد تجربیات خوب و مفید حاصل نمایند؛
۲. از آن‌عه باستان‌شناسان که در بخش ظروف سفالی تحقیق می‌کنند، خواهشمندم، تا روی پارچه‌های ظروف سفالین مکشوفه‌ی این مسجد تحقیق نموده و در روشن شدن زوایای تاریک‌بیشتر تاریخ این مسجد، کمک نمایند؛
۳. مسجد متذکره بر علاوه‌ی یک پروژه‌ی مرمت آبدات تاریخی، در جریان مرمت به حیث مرکز آموزشی کارهای عملی برای شاگردان دیپارتمنت مهندسی پوهنخی انجینیری و دیپارتمنت بشر شناسی و باستان‌شناسی پوهنخی علوم اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌گرفت که از مراجع ذیربط صمیمانه تقاضا می‌شود که این مرکز با همین کارکرد، به حیث یک مکان آموزشی باقی ماند و مصدر خدمات بیشتر در این عرصه گردد.

منابع

- آفتاب، اصغر. (۱۳۶۴). تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان. لاهور.
- حسینی، ضیا. (۱۳۹۲). مقدمه ای بر تاریخ معماری و شهر سازی افغانستان. کابل: انتشارات خراسان.
- نجیمی، عبدالواسع. (۲۰۱۵). لکچرهای درسی پوهنتون کابل.
- ریاست جیودوزی و کارتوگرافی گزارش سالانه.
- Anna Boato, Daniela Pittaluga. (2000). Building Archaeology: A Non-Destructive Archaeology, 15th World Conference on Non-Destructive Testing 15-21 October 2000 in Rome; D. S. A., Dipartimento di Scienze per l' Architettura - Department of Sciences for Architecture, University of Genova, ITALY., <https://www.ndt.net/article/wcndt00/papers/idn365/idn365.htm>.
- Najimi, Abdul Wassay. (2016). Studies in vernacular architecture in Afghanistan: training in conservation of historic structures in Kabul Old City, International Journal of Environmental Studies, DOI: 10.1080/00207233.2016.1178985.
- Halmos, Balázs / Marótyz, Katalin. (2010). The adaptations of the true-to-form survey method, periodica polytechnica, Architecture, 41/1 (2010) pp. 9-17, doi: 10.3311/pp.ar. 2010-1.02, web: <http://www.pp.bme.hu/ar>
- krähling, jános; koppány, andrás; feketé, j. csaba; halmos, balázs; józsa, anna. (2013). The marionette opera and the orangerie of Eszterháza (Fertöd, Hungary). Building archaeology methods and theoretical, MATERIALI STRUTTURE RECONSTRUCTION, problemi di conservazione, nuova serie ii numero 4, Dipartimento di Storia, Disegno e Restauro dell'Architettura, Rome. <https://www.ltrr.arizona.edu/~cbaisan/Vermont/Erica/AED.pdf>, Accessed: April 5, 2020.
- Bryant Bannister, Robert E. Hastings, Jr. and Jeff Banister. (1998). Remembering A. E. Douglass, Journal of the Southwest, Vol. 40, No. 3 (Autumn, 1998), pp. 307-318. Accessed: April 5, 2020.
- Abdul Wassay Najimi. (2016). Studies in vernacular architecture in Afghanistan: training in conservation of historic structures in Kabul Old City, International Journal of Environmental Studies, DOI: 10.1080/00207233.2016.1178985.



بررسی ذبح شرعی از دیدگاه فقه اسلامی

پوهنیار عبدالناصر نصرت^{۲۰}

تقریظ دهنده: پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۳ (۳) ۱۳۹۹

چکیده

ذبح در لغت به معنای بریدن سر حیوانات است، در فقه اسلامی ذبح یکی از راه‌های تذکیه‌ی حیوانات است که با بریدن رگ‌های چهارگانه‌ی گردن حیوان، تحقق پیدا می‌کند. ذبح قربانی جهت تقرب به پروردگار از زمان ابوالبشر حضرت آدم^(ع) شروع شد، وقتی که دو فرزندش هابیل قوچی را و قابیل مقداری گندم را به عنوان قربانی به بارگاه خداوند تقدیم نمودند. وسیله‌ی که برای ذبح حیوان استفاده می‌شود، باید از جنس آهن برنده مانند کارد باشد. استقبال بی‌سابقه‌ی غیر مسلمانان از گوشت‌های ذبح حلال نیز نشان‌دهنده‌ی بهداشتی بودن و کیفیت بهتر این محصول است. نتایج تحقیقات علمی در جهان، با کیفیت بودن، ماندگاری زیادتر و نیز ذبح بدون درد چهارپایان در ذبح اسلامی را به اثبات رسانیده است.

اصطلاحات کلیدی: ذبح؛ ذبیحه؛ ذابح؛ اسلام؛ مسلمان

A Study Of Religious Slaughter From The Perspective Of Islamic Jurisprudence

Jr. Teaching: Abdul Naser Nasrat

Abstract

Slaughter literally means beheading animals. In Islamic jurisprudence, slaughter is one of the ways of purifying animals, which is achieved by cutting the four veins of the animal's neck. The slaughter of the sacrifice for the nearness of God began in the time of Abu al-Bashar, Adam (PBUH) when his two sons, Abel ram and Cain, offered some wheat as a sacrifice to the court of God. The tool used to slaughter the animal must be made of iron, such as a knife; unless one does not have access to it and fears that the animal will perish, in which case slaughtering with another sharp object such as a stone is correct.

Keywords: Slaughter; Sacrifice; Slaughterer; Islam; Muslim

ارجاع

نصرت، عبدالناصر. (۱۳۹۹). بررسی ذبح شرعی از دیدگاه فقه اسلامی. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۳)، صص ۳۰۵ - ۳۱۴.

^{۲۰}استاد پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَحَ قُلُوبَ الْعَارِفِينَ بِنُورِ هِدَايَتِهِ وَزَيَّنَهَا بِالْإِيمَانِ وَمَا أَلْهَمَهَا مِنْ حِكْمَتِهِ أَحْمَدُهُ حَمْدَ عَارِفٍ لِعَظَمَتِهِ مُقَرَّبٍ بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَعَلَىٰ مِنْ خَتَمَ بِهِ الرِّسَالَةَ أَفْضَلَ صَلَاتِهِ وَتَحِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الْمُخْصُوصِ بِإِظْهَارِ مِلَّتِهِ عَلَى الْمَلِكِ كُلِّهَا وَدَوَامِ شَرِيْعَتِهِ إِلَىٰ آخِرِ الدَّهْرِ وَنَهَائَتِهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الْكِرَامِ وَجَمِيعِ صَحَابَتِهِ وَعَلَىٰ التَّابِعِينَ لَهُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ بِإِحْيَاءِ سُنَّتِهِ.

أَمَّا بَعْدُ:

بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بی‌پایان بر پیغمبر بزرگوارش، آن ذات بی‌چون را شکرگزار هستیم که بنده را توان نگاشتن چند سطر پیغامون موضوع «بررسی ذبح شرعی در فقه اسلامی» را اعطا نمود. خوراک انسان موضوع بسیاری از مسائل فقهی است. ذبح حیوانات، یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه است که شرایط و مقررات خاصی بر این مسأله حکم فرما است. مسأله‌ی حلیت یا حرمت ذبیحه‌ی اهل کتاب، از دیرباز محل بحث فقیهان بوده است؟ در این باره، محل اختلاف این است که آیا حلیت ذبیحه، مشروط به مسلمان بودن ذبح‌کننده است، یا در صورتی هم که ذبح توسط اهل کتاب صورت گیرد، گوشت حیوان ذبح شده حلال است؟ فقیهان اهل سنت در مواجهه با این مسأله، به دو دسته تقسیم شده‌اند: غالب فقیهان اهل سنت به حلیت گوشت حیوان ذبح شده توسط اهل کتاب معتقدند، قائلان به حرمت ذبیحه‌ی اهل کتاب، از میان ادله‌ی نقلی به آیاتی اشاره کرده‌اند که مسلمانان را منع می‌کند از خوردن آن چه نام خداوند بر آن برده نشده است و نیز به روایاتی استناد می‌کنند که ذبیحه‌ی اهل کتاب را حرام می‌دانند. موافقان حلیت نیز به آیه‌ی پنجم سوره‌ی مائده استناد کرده‌اند، هم‌چنین آن‌ها به روایاتی تمسک کرده‌اند که به طور صریح یا ضمنی به حلیت ذبیحه‌ی اهل کتاب اشاره دارند. آن‌ها ادعای اجماع را باطل اعلام کرده و روایاتی را که از تناول ذبیحه‌ی اهل کتاب منع کرده است، بر کراهت حمل می‌کنند.

تاریخ‌چه‌ی ذبح قربانی

ذبح قربانی جهت تقرب به پروردگار از زمان ابو البشر حضرت آدم علیه السلام شروع شد، وقتی که دو فرزندش هابیل قوچی را و قابیل مقداری گندم را به عنوان قربانی به بارگاه خداوند تقدیم نمودند. به دستور و روال آن زمان آتشی از آسمان آمده، قربانی هابیل را سوخت که این علامت قبولیت بود و قربانی قابیل به حال خود باقی ماند.

در قرآن مجید این واقعه‌ی تاریخی چنین آمده است: **﴿إِذْ قَرَّبْنَا قُرْبَانَا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ﴾**